

The Growth and Development of Feminist Ideas in Iran and Its Analysis from the First World War to the Second World War

Alie Javanmardi*

Nasrolah Pourmohammadi Amlashi, Hojjat Fallah Tootkar*****

Abstract

Feminism is one of the important social movements in the world, which was able to bring about extensive changes in the status of women, but the perception of educated people in different regions of the world about this movement has not been the same. Educated men and women of Iran were also influenced by the intellectual foundations of this movement. The main question is, what was the process of growth and expansion of feminism in Iran from the First World War to the end of the first Pahlavi? And what were the backgrounds of the formation of feminism in Iran and what were the influences of the intellectuals from the feminism movement? The current research aims to explain the feminist requests of women, the supporters, and opponents using the analytical and descriptive method and relying on library sources, journals, and publications. The findings of this study show that feminism formation in Iran were different from the western countries, and women's rights activists in Iran had their own special conditions, which were different from the situation of western women. Therefore, the feminist movement that was formed in Iran was not the same as the western movement. But due to the extensive changes in the status of women after the constitution, a quasi-feminist trend occurred in Iran, which grew after the constitution and the First World War and during the period of Reza Shah and following her trend of modernism, it progressed and continued.

Keywords: Women, Feminism, Western Countries, First Pahlavi, World War.

* Ph.D. student of Iranian Islamic History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author), javanmardi.alie@yahoo.com

** Professor of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, poor_amlashi@yahoo.com

*** Assistant Professor of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, hojjat.fallah@yahoo.com.

Date received: 11/03/2023, Date of acceptance: 02/07/2023



رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران و بررسی آن از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم

علی جوانمردی*

نصراالله پورمحمدی املشی**، حجت فلاح توتکار***

چکیده

فمینیسم ازجمله جنبش‌های مهم اجتماعی در دنیاست که توانست تغییرات گسترده‌ای در وضعیت زنان به‌وجود بیاورد، اما تلقی تحصیل‌کردگان مناطق گوناگون جهان از این جنبش یکسان و همانند نبوده است. زنان و مردان تحصیل‌کرده ایران هم تحت‌تأثیر مبانی فکری این جنبش قرار گرفتند. پرسش اصلی این است که روند رشد و گسترش جریان فمینیسم در ایران از جنگ جهانی اول تا پایان پهلوی اول به چه صورت بوده است، زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در ایران چگونه بوده است، و روشن‌فکران چه تأثیراتی از جریان فمینیسم گرفته‌اند. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، جراید، و نشریات درصدد تبیین درخواست‌های فمینیستی زنان و موافقان و مخالفان در این زمینه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در ایران با کشورهای غربی متفاوت بود و فعالان حقوق زن در ایران شرایط خاص خود و گاه متفاوت با تجارب غرب داشتند و بنابراین جنبش فمینیستی به آن معنا که در غرب شکل گرفت، در ایران به‌وجود نیامد، اما با توجه به تغییرات گسترده در وضعیت زنان بعد از مشروطه یک جریان شبه‌فمینیستی در ایران رخ نمود که بعد از مشروطه و جنگ جهانی اول رشد کرد و در دوره رضاشاه و به‌دنبال جریان تجددخواهی او تاحدی پیشرفت داشت و ادامه پیدا کرد.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)، javanmardi.alie@yahoo.com

** استاد، گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران poor_amlashi@yahoo.com

*** استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران hojjat.fallah@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱



کلیدواژه‌ها: زنان، فمینیسم، کشورهای غربی، پهلوی اول، جنگ جهانی.

۱. مقدمه

بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند اولین عاملی که باعث ارتباط گسترده بین ایرانیان و اروپاییان گردید جنگ‌های ایران و روسیه و سپس اقدامات عباس میرزا در این زمینه بود. انعکاس افکار غربی در جامعه ایران و تأثیر در دربار اهمیت فراوانی داشت. این تأثیرات با سفرهای ناصرالدین‌شاه به فرنگ شدت بیش‌تری می‌یابد. آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپا در دوران معاصر و تأسیس مدارس جدید توسط مسیونرهای غربی و انتشار روزنامه‌های متعدد پس از انقلاب مشروطه را می‌توان از عوامل گوناگون آگاهی زنان ایران در عصر قاجار دانست. درواقع، آغاز فعالیت‌های زنان برای دستیابی به خواسته‌ها و مطالبات خود را می‌توان بعد از انقلاب مشروطه دانست؛ زیرا مشروطه آثار شگرفی در تغییر نگرش‌ها به‌ویژه در میان زنان برجای گذاشت. افزایش ارتباط با اروپاییان باعث شد تا روشن‌فکران به نقد موقعیت اجتماعی زنان در کشور بپردازند و در مسیر ایجاد تغییر وضعیت اجتماعی آنان تلاش کنند. از جمله این افراد روشن‌فکرانی چون میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، میرزا ملکم‌خان، و آخوندزاده بودند که همگی درمورد تغییر فضای سنتی و موقعیت زنان در جامعه به‌بحث پرداختند. در ادامه زنان تحصیل‌کرده نیز برای کسب حقوق جدید اقداماتی را شروع کردند.

با شروع دوره پهلوی، گرایش حاکم در میان افراد و حکومت پهلوی ترویج فرهنگ غربی برای رسیدن به توسعه اجتماعی و فرهنگی بود و بیش‌تر مطالبات زنان در جهت خواسته‌هایی بود که حکومت وقت برای مدرن‌کردن کشور به زنان تزریق می‌کرد. بنابراین، اندیشه فمینیسم هم‌زمان با انقلاب مشروطه وارد ایران شد و با روی کار آمدن حکومت پهلوی این اندیشه توسط فمینیست‌های این دوره به حیات خود ادامه داد.

موضوع فمینیسم در ایران، به سبب چالش‌ها و معضلاتی که جامعه با آن درگیر است، یکی از مباحث داغ و روزآمد جامعه است و آن را می‌توان در ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار داد، ولی نوشتار کنونی در قالب مقاله طرح و تدوین شده است و لاجرم الزامات و محدودیت‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان همه پرسش‌ها و مفروضاتی را که در این مورد مطرح می‌شود در این پژوهش موردپردازش قرار داد. هدف این نوشتار توصیف شرایط و درخواست‌های فمینیست‌های غربی در موج اول و تأثیر گرفتن روشن‌فکران ایرانی از آنان است و مقاله حاضر جستاری است در پاسخ به این سؤال که این روشن‌فکران در چه زمینه‌هایی از این جریان

فمینیستی تأثیر پذیرفتند و چه زمینه‌هایی باعث شکل‌گیری افکار فمینیستی در ایران در فاصله دو جنگ جهانی شدند و طرح واژه فمینیست توسط چه کسانی در ایران انجام شد؟ این مقاله تلاش می‌کند تا با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای و جراید موجود و با روش توصیفی و تحلیلی، ضمن بازنمایی درخواست‌های فمینیستی زنان در کشورهای غربی، مهم‌ترین مطالبات فمینیستی توسط مردان و زنان روشن‌فکر در ایران در فاصله دو جنگ جهانی را بررسی، تبیین، و موردنقد قرار دهد. با آن‌که این فرایند در دوره پهلوی دوم نیز ادامه داشت، به دلیل محدودیت مقاله، ادامه این فرایند در دوره پهلوی دوم مستلزم مقاله دیگری است؛ چراکه هم به لحاظ بُعد زمانی و هم عوامل مؤثر در فعالیت‌های فمینیستی ملاحظات و وجود دارد که در این مقوله نمی‌گنجد.

درمورد زنان و وضعیت آنان در دوره موردبررسی، به‌خصوص دوره قاجار، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. پژوهش‌هایی که درمورد حقوق و مطالبات زنان و اندیشه‌های فمینیستی زنان انجام شده است، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ گروهی فقط به طرح خواسته‌های زنان و فعالان حقوق زن در دوره قاجار و پهلوی پرداخته‌اند. گلرنگ خدیوی نویسنده مقاله «جستاری بر نقش روشن‌فکران مرد در طرح حقوق زنان ایران طی دوره قاجار تا پیش از انقلاب اسلامی» نمونه‌ای از این موارد است که به جریان تجددخواهی و تفکرات روشن‌فکری متأثر از غرب می‌پردازد و به جایگاه زنان از دیدگاه مردان از دوره قاجار تا پهلوی پرداخته است. نویسنده این مقاله به روزنامه‌ها، که منابع اصلی این دوره‌اند، هیچ رجوع نداشته است. محسن پرویش و محسن بهشتی سرشت مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان (با تأکید بر نشریه نامه بانوان)» دارند که خواسته‌های زنان را در این نشریه تحت عنوان‌های مختلف موردبررسی قرار داده‌اند. ازجمله پژوهش‌های مفید زنان، کتاب هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی/از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی است که در زمینه تلاش‌های زنان برای احقاق حقوق خود اطلاعات قابل توجهی را در اختیار قرار داده است. مریم فتحی نیز در کتاب خود، کانون بانوان با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران در فصل‌های اولیه روند آشنایی زنان با غربیان و تأثیر از آن‌ها را توضیح داده است. پایان‌نامه احمد علی‌زاده، تحت عنوان فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی زنان در عصر رضاشاه، نیز به بررسی فعالیت‌ها و خواسته‌های زنان در قالب انجمن‌ها و روزنامه‌های زنان پرداخته است.

گروهی دیگر از نویسندگان سعی کرده‌اند تا با بررسی جریان فمینیسم به طرح حقوق زنان در دوره‌های مختلف تاریخی بپردازند. در یک مورد مقاله‌ای تحت عنوان «جنبش‌های فمینیستی در ایران: دوره پهلوی»، نوشته حمیده صدقی، وجود دارد که برخلاف عنوان آن، او نیز فقط به

وضعیت حقوقی زنان و فعالیت‌های زنان روشن‌فکر و تحصیل‌کرده در دوره پهلوی اول و دوم به صورت خلاصه پرداخته است. مقاله دیگر از اسماعیل چراغی کوتیانی، تحت عنوان «رویارویی ایرانیان با فمینیسم از فمینیسم ایرانی تا فمینیسم اسلامی»، جریان شکل‌گیری فمینیسم در دنیا را به تفصیل شرح داده و پس از آن به صورت کوتاه، موردی، و بسیار خلاصه مطالبات زنان در دوره‌های مختلف تاریخی تا انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. وجه تمایز این پژوهش این است که به جریان فمینیسم در ایران در میانه دو جنگ جهانی و زمینه‌های شکل‌گیری افکار فمینیستی، ضمن مقایسه با کشورهای غربی، به بررسی و نقد افکار موج اول فمینیست‌ها در غرب و تأثیرات این افکار در زنان و مردان روشن‌فکر و تحصیل‌کرده در میانه دو جنگ جهانی پرداخته است و نظرهای متفاوت و مخالف آن‌ها در مورد خواسته‌های فمینیستی در دوره پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین، در پژوهش‌های انجام‌شده یک یا دو روزنامه و منابع محدود مورد بررسی قرار داده شده یا دوره طولانی مورد بررسی قرار گرفته است، اما در پژوهش پیش‌رو تقریباً تمام روزنامه‌های میانه دو جنگ جهانی مورد بررسی قرار گرفته و علاوه بر دیدگاه‌های افراد مشهور، مهم‌ترین نظر افرادی که دارای جایگاه مختلف فکری و فرهنگی و اجتماعی بودند مورد کاوش قرار گرفته است.

۲. فمینیسم و پیشینه تاریخی آن

ریشه اصلی فمینیسم «Feminine» است که از ریشه لاتینی «Femina» گرفته شده است (آقابابایی و شالباف ۱۳۸۲: ۱۴). در فرانسوی و آلمانی «Feminin» به معنای زن یا جنس مؤنث است که «Feminine» معادل آن است (رودگر ۱۳۸۸: ۲۳). در واقع، فمینیسم به معنای نهضت حمایت از حقوق سیاسی و اجتماعی زنان (زمردیان ۱۳۷۳: ۱۷۹) و نهضت طرف‌داری از حقوق زنان است (مهریزی ۱۳۷۸: ۱۳۴).

فمینیسم در معنای اصطلاحی بر مکاتب و جنبش‌هایی اطلاق می‌شود که به نوعی یا مروج رفتارهای زنانه بوده‌اند یا از حقوق زنان دفاع کرده‌اند و این مکاتب به عنوان اصطلاحی عام و فراگیر برای توصیف آنچه به عنوان جنبش زنان در اروپا و آمریکا در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم معروف بود اطلاق شد (قوی ۱۳۸۹: ۵۹؛ دولتی و دیگران ۱۳۸۸: ۲۳). فمینیسم طرحی است برای دگرگونی اجتماعی و نیز جنبشی برای پایان‌بخشیدن به آنچه سرکوب زنان دانسته می‌شود (روباتم ۱۳۸۵: ۷). در واقع، فمینیسم مجموعه فعالیت‌های اجتماعی با هدف احقاق حقوق زنان و رفع تبعیض از آنان است که غالباً به وسیله خود زنان

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۸۳

انجام می‌گیرد. فمینیسم آموزه‌ای است که به لطمه‌دیدن نظام‌مند زنان در جامعه مدرن قائل است و از فرصت‌های برابر برای مردان و زنان پشتیبانی می‌کند (بیسلی ۱۳۸۹: ۵۵). بنابراین براساس این تعاریف می‌توان گفت فمینیسم نمی‌تواند دارای معنای واحد و مشخصی باشد؛ زیرا گاه یک جنبش برای احقاق حقوق زن و گاه یک نظریه درمورد برابری زن و مرد در تمام عرصه‌های زندگی به کار می‌رود (منصورنژاد ۱۳۸۱: ۲۴۸).

در غرب تاریخ قابل‌ردگیری شروع فمینیسم با تألیف آثار اعتراضی به شرایط زنان مشخص می‌شود؛ چنین آثاری نخستین بار در دهه ۱۶۱۰ م منتشر شدند. برخی نخستین فمینیست را «آن براستریت» (A. Brodstreet) می‌دانند و برخی نیز سابقه این نهضت را به سال ۱۶۸۹ م انگلیس بازمی‌گردانند. فمینیسم در قرن‌های نوزدهم و بیستم آشکارا وجه سیاسی و اجتماعی پیدا کرد. رساله جان استوارت میل (John Stuart Mill)، به نام/تقدید زنان، که در سال ۱۸۶۵ م منتشر شد، مهم‌ترین اثر فمینیستی قرن نوزدهم به‌شمار می‌رود. از نظر تاریخی تکامل جنبش فمینیسم به سه مرحله زمانی برمی‌گردد. مرحله اول (۱۸۵۰-۱۹۲۰ م) موج اول یا دستیابی به حق رأی نامیده می‌شود. آغاز موج اول را به کتاب/ثبات حقوق زن ماری ولستون کرافت (Mary Wilson Craft) نسبت می‌دهند (بهشتی و احمدنیا ۱۳۸۵: ۴۹). دومین موج فمینیسم از حدود ۱۹۶۰ شروع و تا سال ۱۹۸۰ ادامه یافت (پیشگامی‌فرد و قدسی ۱۳۸۹: ۱۱۶). موج سوم از سال ۱۹۹۰ م شروع شد. در این موج، که تا امروز ادامه دارد، نگرش‌های فمینیستی در برابر موج دوم تعدیل شد و در نگرش فمینیستی تعدد زیادی رخ داد (بهشتی و احمدنیا ۱۳۸۵: ۵۲).

موج‌های فمینیسم هرکدام ویژگی‌های مختص آن دوره را داشتند. باتوجه‌به دوره موردپژوهش، فمینیسم در این دوره موج اول را در اروپا و آمریکا سپری می‌کرد و بعد از مدتی دچار رکود شد و می‌توان خواسته‌ها و مطالبات زنان این دوره را به این صورت خلاصه کرد:

برابری زن و مرد در تمام حقوق اجتماعی، فردی، و سیاسی مانند حق مالکیت زنان بر اموال خویش و حق رأی مانند مردان و استقلال زنان از لحاظ مالی که باعث خودکفایی آنان می‌شد (دولتی و دیگران ۱۳۸۸: ۳۹)، در نظر گرفتن اشتغال، حرفه، آموزش، و کارآموزی‌های برابر با مردان (لگیت ۱۳۸۹: ۳۰۱)، بهبود وضعیت زنان متأهل در قوانین، و حق برابر با مردان برای متارکه قانونی بوده است (منصورنژاد ۱۳۸۱: ۲۴۹؛ اسحاقی و دیگران ۱۳۸۵: ۱۵).

۳. واژه‌شناسی فمینیست در ایران

طرح واژه فمینیست نخستین بار در سال ۱۲۹۸ ش توسط تقی رفعت و رفیع‌خان امین مطرح و به مردم معرفی شد. آنان در روزنامه‌های تجدید مقاله‌هایی با اسامی مستعار «فمینا» و «فمینیست»

انتشار دادند و به لزوم احقاق حقوق زنان و بررسی موانعی که بر سر راه این مهم وجود دارد پرداختند. تقی رفعت در مقاله خود در تعریف فمینیسم چنین می گوید: «فمینیست در اصطلاح امروزی شخصی را گویند که طرفدار نسوان بوده، از حقوق حق آن‌ها مدافعه می کند، برای تهوین احتیاجات و اصلاح وضعیات انفرادی و اجتماعی آن‌ها مجاهدت می ورزد. به عبارت اخری پیرو و سالک مسلک فمینیسم می باشد». او فمینیسم را به دو نوع «اصل و دروغین» تقسیم کرده است و بیان می کند فمینیست‌های دروغین فقط به ستایش زنان می پردازند، اما فمینیست‌های اصل را کسانی می داند که در عمل به دفاع از حقوق زنان می پردازند (رفعت ۱۲۹۹ الف: ش ۴۵، ۴). رفیع خان امین نیز فمینیسم را این چنین تعریف می کند:

در ایران در هیچ مورد اجتماعی از زن ایرانی صحتی در میان نیست. در ایران زن از حقوق مشروعه خود مسلوب است؛ زیرا نه اشخاص حامی او هستند و نه قانون او را صیانت می کند و نه او خود به حقوق خویش واقف و آشناست (امین ۱۲۹۸ ب: ش ۴۲، ۴).

این دو نفر مانع اصلی و عمده عدم حضور و مشارکت زنان ایرانی در اجتماع را نگرش مردسالار بر جامعه ایران می دانستند و معتقد بودند باید برای رهایی از این امر تلاش کرد. تقی رفعت در این باره می نویسد: «وضعیت زن ایرانی در محیط اجتماعی ایران به متتها درجه بی ترتیب و بی قاعده است. مردان ایران زنان خودشان را در زنجیر اسارت نگاه می دارند» (رفعت ۱۲۹۹ ب: ش ۴۷، ۴). البته آن‌ها موانع موجود بر سر راه حضور فعال زنان در عرصه حیات اجتماعی جامعه ایران را به نگرش مردسالار و خواست و اراده مردان محدود نمی کردند، بلکه بخشی از این عدم حضور را نتیجه عدم آمادگی زنان ایران برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می دانستند. این دو در سلسله مقاله‌هایی در روزنامه تجدد به بررسی این ضعف‌ها و کاستی‌ها پرداختند و راه‌های غلبه بر آن را بیان کردند. هردو «اصلاح عوالم حیاتیّه» زنان و آماده ساختن آنان برای مشارکت فعال در سامان‌دهی جامعه ایران را مشروط به تحصیل و گسترش امکانات آموزشی بانوان می دانستند. رفیع امین تحقق این امر را وظیفه دولت دانسته است و می نویسد: «اکنون که دولت و ملت جدا در خیال اصلاحات هستند ... در این حال چرا به اصلاح اخلاق نسوان ایرانی نباید اندیشید؟ مگر نوباوگان وطن تنها عبارت از اولاد ذکور است؟» (امین ۱۲۹۸ الف: ش ۳۷، ۴). تقریباً پنج سال بعد از طرح واژه فمینیست توسط تقی رفعت و رفیع خان امین، حسن نفیسی در سخنرانی‌اش در مجمع سوسیالیستی در پاریس به واژه فمینیسم اشاره می کند و تعبیر جدید «نسوان‌نوازی» را به کار می برد و با کنایه فمینیسم را این گونه ترجمه می کند: «نسوان‌نوازی چندی است در ایران رونق یافته یا بهتر [است بگوییم] از

قدیم‌الایام مرسوم بوده، اجداد ما که زن‌های خود را با عصا و زنجیر و قاطر و سیخ کباب تعلیم می‌کردند، مقصودی جز نوازش نداشتند» (نفیسی ۱۹۲۴ ب: ش ۶، ۲۸۴). جدا از کنایه‌های نفیسی او فمینیسم را چنین تعریف می‌کند:

به عقیده ما زن و مرد هر دو در طبیعت متساوی و باید در حقوق متساوی باشند. هم‌چنان‌که مرد در تعیین سرنوشت و در طی مراحل زندگی خود آزاد است، زن نیز باید این آزادی را دارا باشد. مساوات و آزادی باید در تمام رشته‌های اجتماعی امتداد یابد. مساوات در حقوق مدنی، در امور اقتصادی، در زندگانی انفرادی، و بالأخره در حقوق سیاسی، زن باید بتواند هرگونه شغلی را متصدی شود، وکیل تعیین و با شرط لیاقت، کرسی‌های پارلمانی را اشغال نماید (همان الف: ش ۱، ۲۸۷).

به نظر می‌رسد در این دوره افکار فمینیستی در بین روشن‌فکران زن و مرد گسترش پیدا کرده بود و افراد بسیاری تحت‌تأثیر این جو فکری قرار گرفته بودند که تعدادی در ایران و تعدادی در خارج از ایران و در محافل فرهنگی و مطبوعاتی ایرانیان خارج از کشور فعالیت داشتند. نفیسی در این مورد می‌نویسد: «امروز مد چنین حکم می‌کند که همگی از نسوان‌نوازی دم بزنیم، در روزنامه مقاله بنویسم، و آزادی زن‌ها را یگانه آمل خود بخوانیم» (همان: ۲۸۴-۲۸۵).

۴. زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در ایران

از ضرورت‌های پژوهش درباره یک جنبش اجتماعی زمینه‌های شکل‌گیری آن است. در شکل‌گیری فمینیسم عوامل بسیاری تأثیرگذارند که شناخت این عوامل به درک درست ما از عقاید فمینیستی کمک می‌کند. از جمله زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در غرب مدرنیته، لیبرالیسم و اومانیسم، رفتارهای خاص کلیسا، زمینه‌های اقتصادی، و زمینه‌های سیاسی است. در ایران لیبرالیسم و مدرنیته یا اومانیسم به آن معنا که در اروپا شکل گرفته بود وجود نداشت، ولی باتوجه‌به تغییرات گسترده در وضعیت زنان بعد از مشروطه و باتوجه‌به تعریف فمینیسم می‌توان گفت یک جریان شبه‌فمینیستی در ایران شکل گرفت. اگرچه مؤلفه‌های اقتصادی و صنعتی در غرب تأثیر زیادی در شکل‌گیری جریان فمینیسم داشته‌اند، در ایران این مؤلفه‌ها تأثیر قابل‌توجه‌ای در شکل‌گیری جریان فمینیسم نداشته‌اند. لذا در این مقاله کوشش می‌شود تا به مؤلفه‌هایی که هم در غرب و هم کمابیش در ایران تأثیرگذار بودند، مثل نهاد دین و مذهب، نوع حکومت، جریان تجدد، و ... را موردبررسی قرار دهیم. تعدادی از این مسائل و خواسته‌های زنان ایرانی را می‌توان در جنبش اول فمینیسم غرب مشاهده کرد که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

از جمله زمینه‌های مهم شکل‌گیری فمینیسم در غرب را مدرنیته دانسته‌اند. مدرنیته در زبان فارسی معادل واژه تجدد است (بیات ۱۳۸۱: ۵۲۹). تأکید مدرنیته بر این که هیچ‌چیزی را نباید قبل از اثبات عقلانی پذیرفت، سبب شد زنان در بسیاری از مسلمات اجتماعی از جمله الگوی زن خانه‌دار، وظایف زن، توانایی‌های زن، و ... تردید کنند (رودگر ۱۳۸۸: ۳۷-۳۸). در ایران اندیشه مدرنیته اولین بار توسط افرادی مثل میرزا ملکم‌خان، آخوندزاده، و میرزا آقاخان کرمانی وارد شد که جریان‌های فکری متأثر از مدرنیته غربی را با خود به‌هم‌راه آوردند (آدمیت ۱۳۵۱: ۱۴۷). بنابراین، نخستین جرقه‌های فمینیسم در ایران از درون اندیشه‌های این گروه از روشن‌فکران زده شد. این روشن‌فکران یکی از راه‌های موفقیت و پیشرفت زنان در ایران را اخذ فرهنگ و تمدن زنان غربی می‌دانستند و با طرح مباحث مدرنیته سعی در تغییر و دگرگونی جامعه و از جمله زنان داشتند. بنابراین، این افراد به انتشار عقاید فمینیستی شدت می‌بخشیدند و از زنان می‌خواستند تا برای رسیدن به حقوق مساوی با مردان از تجربه زنان اروپایی استفاده کنند. در کنار مدرنیته و آزادی، دین زمینه مهم دیگری بود که در ظهور فمینیسم در غرب نقش ایفا کرد. تأثیر و نفوذ دین در اروپا از یک سو و رویکرد تبعیض‌آمیز جنسیتی کتاب مقدس و کلیسا از سوی دیگر موجب شد که جنبش زنان از ابتدا با تفسیر دل‌خواهانه از آموزه‌های مسیحیت و سرانجام با نفی کامل آن به تدریج به موضع رویارویی با آموزه‌های کتاب مقدس سوق پیدا کند (دولتی و دیگران ۱۳۸۸: ۷۷). فمینیست‌های ایرانی نیز در این زمان روحانیون را در ایجاد وضعیت نابه‌سامان زنان مؤثر می‌دانستند، ولی به دلیل جامعه مذهبی و سنت‌گرا، همان‌طور که سانساریان اشاره می‌کند، به انتقاد از اسلام نمی‌پرداختند؛ زیرا ممکن بود که بتوانند از اسلام به عنوان ابزار حمایتی برای فعالیت‌های خود استفاده کنند (سانساریان ۱۳۸۴: ۸۱). درواقع، فعالان حقوق زنان از نقد مذهب در این مرحله امتناع می‌کردند. چنان‌که در اساس‌نامه جمعیت نسوان وطن‌خواه بر ضرورت حفظ دستورهای اسلامی تأکید شده بود (منگنه ۱۳۴۴: ۳۸-۳۹). دلایلی برای این‌که چرا این گروه از زنان مذهب را مستقیماً موردانتقاد قرار نمی‌دادند وجود دارد. یک دلیل آن است که با انتقاد از اسلام، محور اصلی سرکوب اجتماعی که از سوی مردان و جامعه در قبال زنان حمایت می‌شد، پنهان می‌ماند. توجه دیگر برای عدم نقد اسلام دورماندن از عنوان کافر بود که اغلب از سوی متعصبان برای وجهه منفی دادن به فعالان حقوق زنان داده می‌شد («زن در قرن بیستم» ۱۳۰۲: ۲). به همین دلیل، نشریات زنان سعی داشتند تاجایی که امکان دارد با کمک آموزه‌ها و روایات، که توجیه‌کننده برابری و تساوی زنان و مردان است، قرائت ملایم‌تری را از دین ارائه کنند («خدمات اجتماعی زن‌ها» ۱۳۳۲: ۳). فردی به اسم لطف‌الله قمی در روزنامه ستاره/ایران، ضمن بیان این نکته، به دفاع از زنان پرداخته است و بیان

می‌کند که مردها درمقابل شریعت اسلام آزاد گذاشته شده‌اند و در هر کار زشت و ناپسندی آزادند. این درحالی است که «اگر به اصل دین اسلام توجه شود، زنان دارای حقوقی بودند و روزگارشان به این صورت نبود» (قمی ۱۳۰۲: ۴) و «دین اسلام و قوانین مذاهب جعفری شامل حال شفقت و رستگاری در دنیا و آخرت برای زن و مرد هردو هست...» («عالم نسوان» ۱۳۰۲: ۳). در این میان اگر انتقادی می‌شد اسلام نشانه گرفته نمی‌شد، بلکه علمای مذهبی مقصر دانسته می‌شدند. به‌عنوان نمونه، در مقاله‌ای تحت عنوان «تعدد ازواج» به این مسئله پرداخته شده است و نویسنده می‌گوید:

مثلاً ۳۸۰ میلیون مسلمان دنیا صیغه را حرام و مخالف با آیین اسلام می‌دانند، ولی یک عده معدود که مابین علمای خودشان هم اختلاف است یک آیه هیچ دخلی به موضوع ندارد سند قرار داده صیغه یک ماهه یک روزه و یک ساعته را جایز دانسته‌اند («تعدد ازواج: صیغه‌بازی» ۱۳۰۸: ۵۷-۵۸).

قبل از دوره رضاشاه انجمن‌ها و گروه‌های زنان برای کسب مشروعیت اجتماعی و حفظ حیات خود، تربیت زنان و دختران را براساس شریعت اسلامی اعلام می‌کردند (بامداد ۱۳۴۷: ۴۷)، اما به تدریج هرچه از دوران اولیه این انجمن‌ها می‌گذشت، از شعائر اسلامی آن کاسته شد که به دلیل ورود مفاهیم غربی به کشور بود (همان: ۷-۸). از طرف دیگر نشریات این دوره در پوشش حقوق و آزادی زنان مطالبی را به چاپ می‌رساندند که در برخی موارد با دستورهای دینی در تضاد بود و با واکنش عمومی روبه‌رو می‌شد. به عنوان مثال، زمانی که روزنامه *زبان زنان* در اصفهان در شماره پنجم خود مقاله‌ای تحت عنوان «لزوم آزادی زنان و کشف حجاب» را منتشر کرد، فشار افکار عمومی مدیر مجله را مجبور به تبعید کرد. مجله *جهان زنان* در مشهد نیز با همین مسئله روبه‌رو شد (ناهید ۱۳۶۰: ۲۵-۲۶).

یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد جنبش فمینیسم در اروپا پیدایش حکومت‌های دموکراتیک بود که با توجه به مبانی فلسفی خود باید به حقوق شهروندی همه مردم اهمیت می‌دادند و آزادی و سایر حقوق اساسی را برای همه، از جمله زنان، طراحی می‌کردند (علاسوند ۱۳۸۲: ۱۸). در ایران اما حکومت دموکراتیکی وجود نداشت که زنان بتوانند در زیر چتر آن رشد کنند. روی کار آمدن رضاشاه و رویکرد تجددخواهانه‌اش تاحدی توانست وضعیت زنان را در ایران و در ارتباط با کشورهای دیگر بهبود بخشد، اما نوع حکومت او به زنان و حقوق اجتماعی آن‌ها کمکی نکرد. البته می‌توان گفت فعالیت‌های زنان در ابعاد دیگری رشد و گسترش یافت و آن در قالب تشکیل مجامع و کنگره‌های مربوط به زنان بود که در ابتدا جنبه کشوری و منطقه‌ای

داشت و بعدها ابعاد بین‌المللی یافت (فتحی ۱۳۸۳: ۲۵). به‌عنوان نمونه، می‌توان به کنگرهٔ نسوان شرق در دمشق و ایران اشاره کرد.

۵. مطالبات فمینیستی زنان

هدف اصلی فمینیست‌های ایرانی مبارزه با وضعیت فرودست زنان و دفاع از حقوق زنان ایرانی بود. ازجمله حقوق و خواسته‌هایی که فمینیست‌های ایرانی در میانهٔ دو جنگ جهانی به‌دنبال آن بودند آموزش و تحصیل، بهداشت، حق رأی، آزادی و برابری، خانه‌داری، فرزندداری، و مسائلی از این دست بود. به‌دلیل جلوگیری از تکرار و محدودیت مقاله، مهم‌ترین این خواسته‌ها که توسط زنان و مردان روشن‌فکر درمورد زنان و البته تحت‌تأثیرپذیری از جریان مشابه در غرب در جراید آن عصر مطرح شد، موردتوجه قرار گرفته است و در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

مهم‌ترین نشریاتی که در این پژوهش موردبررسی قرار گرفته‌اند *عالم نسوان*، *زبان زنان*، *شفق سرخ*، *نامهٔ فرنگستان*، *کاوه*، *ایران‌شهر*، *اقدام*، *اطلاعات*، *ستارهٔ ایران*، و نشریاتی از این دست‌اند که نظرهای موافق و مخالفی درمورد مطالبات زنان و فعالیت فعالان حقوق زن در ایران و جهان در آن‌ها به‌چاپ رسیده است. با مطالعهٔ نشریات میانهٔ دو جنگ جهانی استنباط می‌گردد که درمورد زنان اظهارنظرهای زیادی صورت گرفته است، اما در موضوعات موردبحث در پژوهش انجام‌شده نظرهای متفاوتی توسط افراد مختلفی از روشن‌فکران زن و مرد، که عموماً دانشجویان فرنگ‌رفته و فارغ‌التحصیل غرب بودند، بیان شده است. به‌دلیل این‌که بیش‌تر این تحصیل‌کردگان آقایان بودند، لذا اظهارنظر آنان در این زمینه بیش‌تر است. هم‌چنین، در مواردی نیز معلمان و مدیران مدارس و یا در یک مورد مغازه‌داری مشاهده می‌شود که در این مورد اظهارنظر کرده‌اند. درنتیجه، براساس مطالعات انجام‌شده و بررسی روزنامه‌های دورهٔ موردبحث، نمی‌توان این نظرها را به گروه خاصی چون روشن‌فکران، سیاست‌مداران، یا زنان محدود کرد؛ چراکه طیف متنوعی از افراد در این بازهٔ زمانی اظهارنظر کرده‌اند.

علاوه‌براین باید اشاره کرد که چون موج این جریان به آن شکل و معنا که در اروپا تحقق یافت، در ایران شکل نگرفت، نمی‌توان افراد و اشخاص بارزی را به‌عنوان چهره‌های برجستهٔ موج فمینیسم در ایران معرفی کرد. چنان‌که گفته شد، در دورهٔ موردبررسی زنان و مردان فعال و روشن‌فکری از طیف‌های مختلف فکری و شغلی بودند که در روزنامه‌ها و نشریات درمورد زنان و پیشرفت‌های فکری جامعهٔ اروپا و آمریکا می‌نوشتند و آن را با جامعهٔ ایران و وضعیت زنان موردمقایسه قرار می‌دادند و وضعیت را بررسی می‌کردند.

تنها فردی که می‌توان به‌عنوان چهره شاخص این دوره معرفی کرد صدیقه دولت‌آبادی است؛ زیرا درمورد مطالبات زنان بیش‌ترین اظهارنظر و فعالیت را داشته است. خانم دولت‌آبادی نیز هرگز خود را فمینیسم معرفی نکرده و از عنوان فمینیسم برای فعالیت‌های خود استفاده نکرده است، اما خانم مری وینسر (Mary Winsor)، از فعالان حقوق زنان که زمانی که در پاریس سرگرم تبلیغ برای «اتحادیه بین‌المللی حق رأی زنان» بود با صدیقه دولت‌آبادی آشنا شد، معتقد است که دولت‌آبادی فعالیت‌ها و گرایش‌های فمینیستی داشت و هم‌چنین روزنامه *زبان زنان* را یک روزنامه فمینیستی معرفی می‌کند (صنعتی و دیگران ۱۳۹۷: ۸۷۹). بنابراین، می‌توان گفت فعالیت‌های اولیه زنان از تأسیس مدرسه تا انتشار نشریات، نوشتن کتاب، و اجرای تئاتر نیز هرگز توسط فعالان حقوق زن به‌عنوان فعالیت‌های فمینیستی مطرح نشد و بعدها این نام بر آن‌ها نهاده شد یا توسط فعالان حقوق زن مانند خانم وینسر بر آن‌ها گذارده شد. هم‌چنین، باید خاطرنشان کرد این افراد باین‌که از عنوان فمینیست استفاده نکرده‌اند، به‌شدت تحت‌تأثیر این جریان بوده‌اند و همان‌طور که در بالا اشاره شده است، بنابر نظر حسن نفیسی، افکار فمینیستی و تأثیرپذیری از آن در این زمان به‌نوعی مد روز شده بود.

۱.۵ حقوق سیاسی و حق رأی

یکی از خواسته‌های اصلی زنان در موج اول برابری زن و مرد در تمام حقوق سیاسی ازجمله داشتن حق رأی همانند مردان بود (دولتی و دیگران ۱۳۸۸: ۳۹). زنان ایرانی براساس دستاوردهای زنان غربی سعی داشتند تا به این حق خود دست یابند. دولت‌آبادی ازجمله فعالان زنی بود که معتقد بود قوانین توسط مردان درمورد مردان و به‌نفع مردان تنظیم شده است. وی ضمن اشاره به عاطفه‌گرایی زنان در سیاست و تأکید بر روحیه صلح‌طلبانه ذاتی آن‌ها، در اعتراض به محروم‌بودن زن ایرانی از حق رأی نوشت:

ما خیلی افسوس داریم که برادران ما وقتی [نظام‌نامه] انتخابات مجلس و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدیہ را می‌نوشتند برای این‌که ما زنان حق رأی نداشته باشیم و شرکت نجویم، ما را در ردیف قاتل‌ها، مجانین، و ورشکستگان نوشتند! (دولت‌آبادی ۱۳۳۸ ب: ش ۲۰، ۲).

مردان روشن‌فکری چون تقی‌زاده نیز به دفاع از حق رأی زنان پرداخته‌اند، چنان‌که تقی‌زاده طی مقاله‌ای در مجله *کاوه* اقدام بزرگ آمریکا و اروپا، یعنی اعطای حق رأی به زنان، را می‌ستاید (تقی‌زاده ۱۲۹۰: ۲).

دیدگاه دیگری وجود داشت که خواستار حضور زنان بود، اما آن را در شرایط فعلی مناسب نمی‌دید. این دسته مداخله در امور سیاسی در شرایط کنونی جامعه را دور از دسترس می‌دانست. *عالم نسوان*، در مقاله‌ای با عنوان «ترقی نسوان»، بی‌توجهی مردان به این موضوع را بیش از آن که امری الهی بداند، ریشه در سنن جامعه می‌داند و اعتقاد دارد که گذشت زمان موضوع را حل خواهد کرد و همان‌گونه که مردان جامعه در برابر حق تعلیم و تربیت زنان کوتاه آمده‌اند، سرانجام خواست زنان مبنی بر شرکت در امور سیاسی کشور را تمکین خواهند کرد («ترقی نسوان» ۱۳۰۲: ۲۲-۲۵).

یکی از راه‌هایی که زنان به‌طور غیرمستقیم موضوع حق رأی را پیش کشیدند، چاپ اخبار مبارزات زنان برای حق رأی در کشورهای اروپایی بود که زنان ایرانی را غیرمستقیم به تلاش برای احقاق حقوق سیاسی خود فرامی‌خواندند («جهان زنان» ۱۲۹۹: ۶؛ «خلاصه مقالات یک خانم بلژیکی» ۱۳۱۱: ۳-۸). البته باوجود تلاش زنان برای احقاق حق رأی، جامعه سستی ایران به‌هیچ‌وجه این حق را برای زنان قائل نبود و با آن به مخالفت پرداخت، اما از آن‌جاکه جنبش جانب‌داری زنان در غرب اعطای حق رأی به زنان را در ایران پی‌گیری می‌کرد و مذاکرات مجلس درمورد اعطای حق رأی به زنان در نشریه *تایمز* لندن منتشر می‌شد، مجلس ضروری دانست تا آن را به‌صورت علنی مطرح سازد، ولی با مخالف نمایندگان مجلس مواجه شد (آفاری ۱۳۷۷: ۵۷).

هرچند به‌نظر می‌رسد در این زمان هم در کشورهای غربی مخالفت‌هایی با حضور زنان در سیاست وجود داشت و همین کار زنان ایرانی را برای رسیدن به این مهم سخت‌تر می‌کرد. چنان‌که نویسنده مقاله‌ای می‌گوید:

هنوز در جوامع اروپایی همیشه دادوپردادهای مخالفت‌آمیزی بر علیه دخالت نسوان در امور سیاسی بلند است و متفکرین آن‌ها کاملاً ملطفت جریان خطرناک آن هستند؛ زیرا به‌طور کلی خمیره زن برای کارهای دیگری که طبیعت در وجود او تعبیه نموده ساخته شده است (نابتیان ۱۳۱۰: ۳).

هم‌چنین، در نشریه *آینده فردی* به اسم آقای ترقی به نظرهای مخالف غربی‌ها درباره حضور زنان در سیاست اشاره می‌کند و از خانمی به اسم ماری کولی، نویسنده مشهور انگلیسی، و آقای شارل ژارفس، رمان‌نویس مشهور، صحبت می‌کند که معتقدند زن برای مهربانی و عطوفت آفریده شده است و باید در کار خانه و بچه‌داری حضور داشته باشد و سیاست را به مردان واگذار کند (ترقی ۱۳۰۵: ۶۶۵-۶۶۶).

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۹۱

مخالفت با حضور زنان در سیاست از سوی مردان بیش‌تر دیده می‌شود و به‌نظر می‌رسد این موضوع حتی برای روشن‌فکران مرد هم قابل‌قبول نبود. کسروی از مخالفان جدی در این زمینه بود و به انتقاد از کسانی می‌پردازد که از حقوق زنان دم می‌زنند و خواهان عضویت زنان در پارلمان و سایر انجمن‌ها هستند و بیان می‌کند:

ای نادان! مگر خدا زنان را برای این کارها آفریده؟! مگر این اندازه نادان‌اید که فرقی را که میان آفرینش زنان با آفرینش مردان است در نمی‌یابید؟!... ای نادانان! آفریده‌ای که خدا او را مادر آفریده و باید بچه زاییده و آن زاییده خود را در آغوش خویش بزرگ گرداند، چنین آفریده چگونه می‌تواند عضو پارلمان یا بلدیة باشد؟ (کسروی ۱۳۱۳: ۲۳۳-۲۳۴).

نحوه برخورد با نشریات زنان مخالفت جدی با ورود زنان به سیاست را ملموس‌تر می‌کند. به‌عنوان نمونه مجله *زبان زنان* با ورود به حوزه‌هایی مانند سیاست و با نقد و بررسی عملکرد دولت‌های وقت و نگارش مقالاتی تند و مهیج مانند «زنه باد قلم» (دولت‌آبادی ۱۳۳۷ الف: ش ۵، ۱-۲) و «سرنگون باد استبداد» (همان) پا به عرصه‌ای گذاشت که ورود آن برای زنان ممنوع بود. این خط‌مشی *زبان زنان* برای آن به‌قیمت‌گرافی تمام شد و به توقیف آن انجامید. بهانه توقیف آن مقاله‌ای بود درمورد اختیارات هیئت حاکم و لزوم تصمیم‌گیری‌های اساسی توسط مجلس شورای ملی و هم‌چنین اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹ م (دولت‌آبادی ۱۳۳۹: ش ۲۹، ۲). توقیف و برخورد قاطعانه با مشارکت‌طلبی سیاسی زنان موجب شد تا برخی از نشریات زنان برای تداوم حیات خود کم‌تر به مسائل سیاسی بپردازند، چنان‌که یکی از دلایل تداوم *عالم نسوان* و ترتیب منظم انتشار آن همین موضوع است: «مقصود ما مداخله در امور سیاسی مملکتی نیست و یگانه چیزی هم که تا به حال توانسته است مجله *عالم نسوان* را از مخطوراتی که سایر مطبوعات را احاطه کرده، محافظت نماید، همین عدم دخالت در سیاست است» («عالم نسوان» ۱۳۰۲: ۱-۲).

۲.۵ آزادی و برابری اجتماعی

آزادی زنان و حضور در اجتماع و دستیابی به حقوق فردی و اجتماعی مهم‌ترین موضوعاتی بودند که روشن‌فکران زن و مرد به آن پرداختند. مقالات زیادی درمورد آزادی زنان مانند آزادی در اجتماع، حق کار و اشتغال، و حق مالکیت در نشریات این دوره منتشر شده است. در این مورد موافقان و مخالفان متعددی وجود داشت و بعضی افراد مخالف آزادی زنان بودند و آن را تقلید از غرب می‌دانستند. درمقابل، تعدادی موافق آزادی زنان بودند و با آوردن مثال‌هایی از آزادی زنان اروپایی، لازمه جامعه موفق را آزادی زنان در کنار مردان می‌دانستند.

مخالفان آزادی زنان، آزادی آن‌ها و حضور در اجتماع را به خوش‌گذرانی تعبیر کرده‌اند، چنان‌که در مقاله‌ای با عنوان «حدود و حقوق زنان در ایران» در این مورد نوشته شده است: «... فکر می‌شده که وقتی زن آزاد باشد به خیابان‌ها و باغ‌ها رفته و به دنبال خوش‌گذرانی است یا این‌که در سینما مشغول تماشای فیلم است» (جعفریان ۱۳۰۹: ۲). افرادی نیز بودند که با نگاه سنت‌گرایانه خود آزادی زن را به رفع حجاب تقلیل می‌دادند، چنان‌که فردی به اسم غلامحسین بوربور در این مورد می‌نویسد: «آزادی نسوان چیست؟ تعبیر آن فعلاً در ایران رفع حجاب و در ممالک اروپا عهده‌دارشدن وظایف فعلی مردهاست ...» (بوربور ۱۳۰۹: ۳).

برخی روشن‌فکران، مانند کسروی، با نگاه سطحی‌تری آزادی زنان را به ارتباط آن‌ها با مردان و بیگانگان تقلیل می‌دهند، چنان‌که کسروی می‌گوید: «مقصود از این آزادی چیست؟ مگر زنان را در بند می‌داریم؟ یا آنان را برده می‌شماریم؟». او سپس به انتقاد از افرادی می‌پردازد که درباره حقوق زنان صحبت می‌کنند: «جهان از این مغزهای سبک ویران است. مگر زنان برای این کارها آفریده شده‌اند؟! یا آیا این کارها زینده زنان می‌باشد؟!» (کسروی ۱۳۱۲ ب: ش ۶، ۱۵-۱۶). بعضی مخالفان آزادی زنان «اقتضای وقت» را بهانه کرده‌اند و می‌گویند هنوز وقت آن نرسیده است که به زنان آزادی و برابری داده شود (نامور ۱۳۱۰: ۳).

یکی از مبانی آزادی زنان در این زمان حضور در جامعه بود؛ زیرا این اعتقاد وجود داشت که اجتماع باعث رشد و تکامل اخلاقی آن‌ها می‌شود. قبلاً حضور زنان در مراسم روضه‌خوانی، عزاء و نهایتاً مراسم اعدام بود. نویسنده‌ای با اشاره به این امر شرکت زن در اجتماع، تئاتر، و سینما را لازمه تربیت و تصفیة اخلاقی زنان می‌داند. البته موضوع آموزش و تربیت زنان در این جا مطرح می‌شد؛ زیرا آموزش لازمه ورود آن‌ها به اجتماع دانسته می‌شد («زن در اجتماعات» ۱۳۰۴: ۱).

مسئله‌ای که فمینیست‌ها به آن تأکید داشتند، برابری زن و مرد بود و سعی می‌شد که نشان دهند که نابرابری‌های میان زنان و مردان نه نتیجه تفاوت طبیعی، بلکه ناشی از تأثیر محیط و به‌ویژه حاصل از این واقعیت است که زنان از آموزش محروم‌اند (منصورنژاد ۱۳۸۱: ۲۴۹؛ اسحاقی و دیگران ۱۳۸۵: ۱۵). هرچند در ایران مخالفان زیادی با این موضوع وجود داشت و با نوشتن مقالات متعدد سعی در عادلانه نشان‌دادن وضعیت زنان داشتند و اظهار می‌کردند: «تفکیک وظایف زن و مرد اختیاری نبوده و رجحانی هم به یک‌دیگر ندارند، به خودی خود ثابت می‌شود که این تقسیم عادلانه است و هیچ‌یک حق شکایت و تجاوز از وظایف خود را ندارند» («آزادی زن» ۱۳۰۹: ۳). نویسنده‌ای به نام شکبیا در توجیه عادلانه‌بودن جایگاه زنان به

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۹۳

تاریخ استناد می‌کند که از ابتدای خلقت بشر تا به امروز حکومت‌کردن و ادارهٔ امور زندگی با مردان بوده است. او تفاوت مردان و زنان را ناشی از قدرت طبیعت می‌داند (شکیبا ۱۳۰۶: ۳) و این‌که اگر تعدادی زن وکیل، وزیر، سفیر، و شاعر هم وجود دارند، دلیل بر این نیست که برتری دارند و «افراد نادر را نمی‌شود میزان حکم و تصور قرار داد ... در تاریخ گذشتهٔ بشر تمام کارها به‌دست مرد بوده است و زن‌ها همان وظایف طبیعی خود را انجام می‌داده‌اند» (سیاوش ۱۳۰۹: ۳). درمقابل، نویسندگانی مثل احمد فرهاد برای اثبات این برابری از خانم‌هایی مثل ماری کوری و خانم برتای آلمانی، کاشف توپ‌های برتا، نام می‌برند و فرهاد در این مورد می‌گوید: «اگر زن را در زندگانی شرکت ندهید، مانند آن است که یک دست خود را عمداً فلج کرده باشید: آری دست راست را» (فرهاد ۱۳۰۳: ۱۳).

به‌طور کلی مخالفان تعداد معدودی بودند که تحت‌تأثیر غربیان زنان و مردان را مساوی می‌دانستند و معتقد بودند در دنیای متمدن هم این رویه وجود دارد و همان‌طور که اشاره شد، تفاوت فاحش زنان و مردان در ایران را ناشی از تربیت و آموزش آن‌ها می‌دانستند («اجتماعیات: زن - وفا» ۱۳۰۵: ۱). کاظمی در این مورد می‌نویسد: «زن ایرانی به‌هیچ‌وجه از حیث ساختمان دماغی و خلقت طبیعی از سایر زنان عالم کم‌تر نیست. زنان ایرانی تربیت لازم ندارند» (کاظمی ۱۳۰۳: ۶۳) و افرادی، با توجه به اهمیت مادر در تربیت فرزندش، اشاره می‌کنند اگر به این عقیده داشته باشیم که اولین مدرسهٔ کودک مادر است، «در این صورت مخالفت با آزادی و تربیت صحیح این جنس را جز به مخالفت با سعادت نسل آینده به چه می‌توان تعبیر کرد؟» (نامور ۱۳۱۰: ۳).

صدیقه دولت‌آبادی، که شعار تساوی زن و مرد را در همهٔ حقوق شعار اصلی خود قرار داده بود، معتقد بود: «هرکدام از ملل که این نکتهٔ مهم را زودتر درک کرده و تساوی حقوق نسوان را منظور داشته و اسباب ترقی آنان را فراهم کردند، گوی سبقت ربوده و به سعادت نائل شدند» (دولت‌آبادی ۱۳۳۸: ۱). پرویز کاظمی دربارهٔ عدم برابری بین زن و مرد سخن می‌گوید و از جایگاه بالای زنان اروپایی می‌نویسد:

چرا می‌گویند جامعهٔ اروپایی بر روی اصول تساوی و عدالت قرار گرفته؟ زیرا در این محیط زن و مرد مساوی و هر فردی موظف است که به‌قدر قوهٔ خود در تهیهٔ خوش‌بختی دیگری سعی کند. در ممالک متمدنه زن آزاد بوده و به‌هیچ‌وجه نمی‌خواهد از مرد عقب مانده، هرکاری که مردان می‌کنند زنان نیز از عهدهٔ آن برآیند. از اول تا آخر جامعهٔ اروپایی، از پست‌ترین کارها تا مهم‌ترین مشاغل، میان زن و مرد تقسیم شده است (کاظمی ۱۳۰۳: ۶۰).

۳.۵ حق شغل و کار

یکی از مطالبات اصلی زنان فمینیست، چه در غرب و چه در ایران، حق اشتغال بود. بنابراین، یک بحثی که در این دوره بین روشن‌فکران زن و مرد شکل گرفت مسئله کار زنان و برابری شغلی با مردان بود که تعدادی موافق و تعدادی مخالف این رویه بودند. موافقان به زنان اروپایی و آمریکایی اشاره می‌کنند و با الگو قرار دادن آن‌ها از کارکردن زنان دفاع می‌کنند. فخر عادل خلعتبری، سردبیر روزنامه *آینده/ایران*، درباره کار زنان غربی می‌نویسد که علاوه بر بچه‌داری و خانه‌داری در بیرون از خانه هم شغلی دارند که به معیشت خانواده کمک می‌کند (خلعتبری ۱۳۱۱: ۲). درواقع، نشریات زنان در دوره موردپژوهش سعی بر این داشتند تا با نوشتن مقالاتی جامعه سنتی را متقاعد کنند که زنان هم می‌توانند در کنار مردم در جامعه حضور داشته باشند. در همین جهت نشریاتی مثل *زبان زنان* هم خواستار اصلاحات و رعایت برابری و مساوات در مشاغل زنان بودند و مجله جمعیت *نسوان وطن‌خواه* نیز اشتغال زنان در کنار مردان را گام ضروری برای تحقق نوسازی جامعه اقتصادی ایران می‌دانست (دولت‌آبادی ۱۳۰۱: ۵۶؛ جمعیت *نسوان وطن‌خواه* ۱۳۰۳: ۱۰). *عالم‌نسوان* نیز به انتقاد از مردانی می‌پردازد که فقط شغل زن را خانه‌داری و بچه‌داری می‌دانند. *عالم‌نسوان* این تفکر را خرافاتی دانسته و معتقد است که این اعتقادات زنان را محدود کرده‌اند و به آن‌ها اجازه کار بیرون از خانه را نمی‌دهند و باعث می‌شوند نیروی زنان با کارهای بی‌فایده در خانه هدر برود (سمیعان ۱۳۰۵: ۹۰-۹۲).

درجهت ورود زنان به بازار کار یکی از راه‌های پیش‌نهادی زنان برای دستیابی به فرصت‌های شغلی این بود که دروسی مربوط به حرف و صنایع دستی زنانه به برنامه درسی دختران اضافه گردد و برای تشویق و ترغیب آن‌ها به زنان اروپایی و اشتغال‌زایی که در این زمینه صورت می‌گیرد اشاره می‌کند:

در فرانسه و لندن اغلب اسباب زینت و گل‌دوزی و طوری و جوراب و دست‌کش و پیراهن و شلوار و سایر اسباب‌های خرازی‌فروشی از زیردست دخترها و زنان بیرون می‌آید ... خیلی خوب است که در مدارس دوشیزگان به‌علاوه تحصیلات علمی ترتیب تحصیلات صنعتی هم تدارک نمایند («عوالم النساء» ۱۳۳۳: ۲).

به نظر می‌رسد نگرش مردسالار جامعه به اشتغال زنان بعد از جنگ جهانی اول تاحدودی تعدیل یافته بود. تجربه زنان اروپایی در دوران جنگ جهانی اول موجب شد تا برخی مردان نیز بر ضرورت اشتغال زنان تأکید و به موانع شغلی زنان اعتراض کنند (بروجردی ۱۳۰۳ ش: ۳۲). ازجمله فردی نداشتن شغل زنان را دلیل بر ازدست‌دادن عفت و شرافت زنان می‌دانست؛ زیرا

اعتقاد داشت نبودِ شغل باعث می‌شود که زنان به ازدواج اجباری مجبور شوند تا از این طریق هزینهٔ زندگیشان فراهم شود و اگر ازدواج نکنند، «یا باید از گرسنگی تلف شده یا ترک عفت و شرافت نمایند» (فروهر ۱۳۰۵: ۱). روزنامهٔ *شفق سرخ* درمورد کار زنان نوشت: بی‌کارماندن زن‌ها در دنیای امروزه مطابق شرافت ذاتی و موافق منافع بشر نیست. در خیلی از کشورهای دنیا، به‌دلیل شرایط زندگی، زن‌ها را وادار به کمک‌کردن به مردها کرده‌اند و آن‌ها وارد کارهایی شده‌اند که مردانه است. هرچند این روزنامه ضمن تأکید زنان در کارهای مشخص، واردشدن زنان به کارهای مردانه را صدمه به خود زنان می‌داند («چه کارهایی برای زن متناسب است» ۱۳۰۹: ۳).

اما به‌طور کلی این خواستهٔ زنان با مخالفت جدی جامعهٔ سنتی و حتی روشن‌فکران روبه‌رو شد. نمونهٔ مشخص روشن‌فکران احمد کسروی بود که برخلاف نظرهای غرب‌گرایانه‌اش، نظرهای اروپاییان را قبول نمی‌کند و معتقد است کارهای زن و مرد نباید تداخل داشته باشد:

خدا زنان را برای کارهایی آفریده و مردان را برای کارهایی، زنان نباید جز به کارهای زنانه برخیزند... آن‌چه زن را رسوا کرده مشقت او را و می‌کند به کارهای مردانه برخاستن است. این‌که اروپاییان زنان را به پیشه‌های مردانه برمی‌گمارند این خود خطای ایشان است (کسروی ۱۳۱۲: ۲۱-۲۲).

مخالفان در بعضی موارد، ضمن تعریف از وضعیت زنان غربی و مشارکت زنان و مردان در کارها و حفظ حقوق اجتماعی زنان اروپایی، این شیوه را در ایران به‌دلیل شرایط متفاوت با کشورهای غربی و طرز زندگی متفاوت با آن‌ها نمی‌پسندیدند، چنان‌که نشریهٔ *بیداری* اشاره می‌کند اگر تاکنون در ایران زن دارای مشاغل عمومی و استخدام رسمی دولتی نبوده است:

علت همانا کمی کار بوده که به‌اندازهٔ مردان هم یافت نمی‌شده، چه رسد به زنان و در بعضی ممالک اروپا مانند انگلستان موضوع به‌عکس بوده است. به‌هرحال، احتیاجات هر جامعه و محیط را باید در نظر آورد و طبق آن عمل کرد («زن باید در امور شریک مرد باشد» ۱۳۱۴: ۲).

مخالفان ازسویی بر این عقیده بودند که زن‌ها آموزش لازم را ندیده و نمی‌توانند کار کنند؛ زیرا خود مردها هم مهارت کافی در بیش‌تر شغل‌ها را ندارند. درنتیجه، نباید چنین انتظاری از زنان وجود داشته باشد و ازسویی دیگر عدم توانایی و هوش پایین زنان را برای کارکردن بهانه قرار داده بودند. هما عظیمی، ضمن مخالفت با این تفکر، در مقاله‌ای اشاره می‌کند که زنان اروپایی مربی دارند و در زمینهٔ کاری خود آموزش می‌بینند، ولی در ایران ما چنین چیزی

نداریم. در نتیجه، نمی‌توان گفت زنان اروپایی هوش و استعداد زیادتری از زنان ایرانی دارند (عظیمی ۱۳۰۲: ۴).

۴.۵ خانه‌داری و فرزندداری

فمینیست‌ها معتقدند کار پرورش و تغذیه، در عین حال که به زنان تحمیل شده، از منابع ویژه قدرت زنان نیز به‌شمار می‌رود (هام و گمبل ۱۳۸۲: ۲۶۹). هم‌چنین، در نظریه‌های فمینیستی تأکید جامعه‌پذیری جنسیتی بیش‌تر بر رفتار فرد مراقب کودک، مادر، است (اعزازی ۱۳۷۶: ۱۹۰). چنین نگرشی را در تفکرات زنان این دوره نیز می‌توان مشاهده کرد. آن‌ها ضمن آن‌که زنان را امتداددهنده حیات بشری می‌دانستند (سمیعی ۱۳۰۰: ۲۲-۲۳)، اعتقاد داشتند که مهم‌ترین کار زنان در جهان مادری است (جمعیت نسوان وطن‌خواه/ایران ۱۳۰۴: ش ۹، ۳۰). صدیقه دولت‌آبادی از زنان روشن‌فکری بود که بر تقدس مادری تأکید کرده است و به این مسئله اشاره می‌کند که زنان به‌دلیل وظیفه مادری‌شان باید در مقابل فشارهای نامناسب مورد حمایت قرار بگیرند؛ زیرا تربیت نسل آینده توسط آن‌ها انجام می‌گیرد (دولت‌آبادی ۱۳۰۳: ۳۸-۴۰).

مردان روشن‌فکر نیز نقش مادری و خانه‌داری زنان را بهترین نقش زن تعریف می‌کنند، چنان‌که کاظم‌زاده در *ایران‌شهر* سه وظیفه اصلی را برای زن برمی‌شمارد: «مادرشدن، تربیت اولاد، و خانه‌داری». او مادرشدن و تکثیر نسل را عالی‌ترین و سخت‌ترین وظایف اجتماعی زن برشمرده است و در اهمیت آن می‌نویسد:

اگر همه وظایف و شئون زن را کنار بگذاریم و فقط این را در نظر بگیریم که زن در تولید بچه دچار چه زحمت‌ها و دردها و سختی‌ها می‌شود و با چه متانت و تحمل آن‌ها را در می‌آورد، همین ملاحظه کافی خواهد بود که ما او را شایسته احترام و پرستش بدانیم (*ایران‌شهر* ۱۳۰۳: ۷۳۱).

کاظم‌زاده «تربیت اولاد» را هم وظیفه و هم هنر زن قلمداد می‌کند (همان: ۷۳۴). در مورد «خانه‌داری» که سومین وظیفه مهم زن است، کاظم‌زاده می‌نویسد:

از آن‌جاکه خانه آشیانه محبت و یگانگی و انس است، باید طوری اداره و مرتب شود که به‌منزله پناهگاهی گردد، از دست زحمات مشتقات خارجی که هر روز به ما حمله می‌کند و نگاه‌داشتن خانه در این حال سپرده دست زن است، چه او آمر مطلق و فرمان‌روای خانه است (همان: ۷۳۷).

فعالان حقوق زنان بر این نکته تأکید داشتند که کار خانه‌داری از نظر صرف وقت و انرژی نوعی شغل محسوب می‌شود، اما فاقد دست‌مزد و ساعات کار مشخص است. البته این نه از روی گله و شکایت، بلکه به منظور تقدس بخشیدن به کار خانگی زنان بود. از نظر زنان تجددطلب خانه‌داری مطلوب و صحیح بر بنیان آگاهی و برنامه‌ریزی قبلی قرار داشت و در این رابطه برخی از زنان الگوی خانه‌داری به‌شیوه فرنگی را پیش‌نهاد می‌کردند (محمودی ۱۳۹۹: ۱۰). مجمع فارغ‌التحصیلان مدرسه آمریکایی نیز کنفرانس‌هایی را به موضوع لزوم فن خانه‌داری در مدارس عالی و ابتدایی با سخن‌رانی مسیز بویس (آنی استاکینگ بویس) برای زنان ایرانی ترتیب می‌داد («کنفرانس برای خانم‌ها» ۱۳۰۱: ۱۸). در ارائه شیوه‌های نوین خانه‌داری، ترجمه مقالاتی از روزنامه‌ها و مجلات اروپایی نیز به‌چاپ می‌رسید («خانه‌داری» ۱۳۰۰: ۱۲).

فخر آفاق پارسا در مقاله‌ای در جمعیت نسوان وطن‌خواه/ایران، علاوه بر مقایسه محتوایی درسی دختران در ایران و اروپا، خواستار این بود که خانه‌داری به دروس دختران اضافه گردد (پارسا ۱۳۰۳: ۴۵-۵۰). کسروی با نگاه افراطی‌تری، ضمن دفاع از تحصیلات زنان و تأکید بر تفاوت دروس پسران و دختران، سواد آن‌ها را در خانه‌داری خلاصه می‌کند و معتقد است کتاب‌هایی که زنان می‌خوانند باید در این زمینه باشد:

زنان را باید جز درس خانه‌داری نیاموخت و آنان را از خواندن رمان‌ها و افسانه‌ها بازداشت ... شگفتا از کسانی که به دختران جبر و مقابله می‌آموزند یا با یاددادن زبان‌های اروپایی عمر گران‌بهای ایشان را هدر می‌سازند ... شگفتا از مردانی که برای زنان و دختران خود رمان‌های عاشقانه می‌خرند یا آنان را شیفته سینما و تئاتر ساخته، لرزه بر بنیاد پاک‌دامنی ایشان می‌اندازند! (کسروی ۱۳۱۲ ب: ش ۶، ۱۴-۱۶).

به‌طور کلی نشریات زنان در دوره پهلوی نیز هنگام بحث در مورد اشتغال زنان، وظایف وی در خانه را در اولویت قرار می‌دادند و عقیده داشتند زن در خانه و اجتماع وظایف متفاوتی دارد که وظایف وی در خانه در اجتماع تأثیرگذار است، اما توسط تعداد معدودی جریانی در این زمان تحت تأثیر زنان اروپایی شکل گرفته بود که «مگر زن ماشین بچه‌داری است که شما می‌خواهید وظایف او را به همین یکی محدود کنید؛ چه مانعی دارد که زنان نیز بکوشند تا از بین آنان مخترعین و مکتشفین بزرگ پیدا شود» (هرمزی ۱۳۱۶: ۵).

به نظر می‌رسد که در این زمان در اروپا نیز هم‌چنان یکی از دغدغه‌های اصلی، حفظ وظیفه مادری، بچه‌داری، و خانه‌داری برای دختران است. روزنامه/اطلاعات با ترجمه مقاله‌ای از مجله بلک‌وود انگلیسی به این مسئله پرداخت. نویسنده مقاله معتقد است که دختر در کنار بازی و

تفریح باید امور خانه‌داری را هم یاد بگیرد و نباید این کارها کسر شأن زنان باشد. مترجم دلیل ترجمه این مقاله را آگاه کردن زنان ایران و عدم تقلید کورکورانه از زنان اروپا می‌داند (روحانی بوشهری ۱۳۰۹: ۱). *عالم نسوان* به تجربه مفید جامعه آمریکا در ارتباط با زنان و فرزندداری اشاره می‌کند و ضمن الگو قرار دادن آن در تربیت فرزند به مجالس متعدد که برای مادران تشکیل می‌شد و همچنین چاپ کتاب‌های زیاد در ارتباط با فرزندداری زنان می‌پردازد (قائم مقامی ۱۳۰۶: ۲۵۸-۲۶۴). روزنامه *شفق سرخ* هم از مقدس‌انگاشتن خانه‌داری و فرزندداری توسط زنان غربی صحبت می‌کند، اما اشاره می‌کند که آن‌ها کار بیرون از خانه را هم ضروری می‌دانستند («آزادی زن» ۱۳۰۹: ۳). روزنامه *فکر آزاد* معتقد است که «قاطبه زنان اروپا شوهرداری و اداره خانواده را بر هر کاری مقدم می‌دانند» («زن اروپایی» ۱۳۰۴: ۳۱-۳۰۹). نشریات ایرانی با انتشار اخبار مربوط به کشورهای غربی به نظر می‌رسد می‌خواهند به زنان ایرانی این مسئله را گوش زد کنند که علاوه بر کار، شغل اصلی زن خانه‌داری و بچه‌داری است (روزنامه اطلاعات ۱۳۱۵: ۲).

به طور کلی یکی از مواردی که هم زنان و مردان روشن فکر و هم افراد سنت‌گرا بر روی آن اتفاق نظر داشتند، خانه‌داری و فرزندداری زنان بود. جامعه آن روز به نظر می‌رسد این نقش زن را نمی‌خواست و نمی‌توانست حذف کند و هنوز جامعه ایران توانایی و ظرفیت این را نداشت که این نقش را در زنان محدود کند.

۶. نتیجه‌گیری

باتوجه به معنای لغوی فمینیسم که جنبش جانب‌داری از حقوق زنان تعبیر می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت بعد از مشروطه و جنگ جهانی اول جنبشی در ارتباط با احقاق حقوق زنان شکل گرفت که توانست وضعیت زنان را به کلی دگرگون سازد. زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در ایران با اروپا متفاوت بود، اما در زمینه‌هایی چون فکر تجدد و مدرنیته و مداخله مذهب در همه امور می‌توان شباهت‌هایی پیدا کرد. نخستین بار طرح واژه فمینیست در ایران توسط روشن‌فکران مرد تحصیل کرده و فرنگ‌رفته انجام شد و زنان در تولید و پرورش اولیه این ایده نقشی ایفا نکردند. مهم‌ترین دلیل آن شاید تعداد کم زنان فرنگ‌رفته و تحصیل کرده و حضور محدود آنان در فعالیت‌های اجتماعی و به دنبال آن عدم اظهارنظر درباره شرایط زنان باشد. روشن‌فکرانی که در جراید این دوره درمورد زنان اظهارنظر کرده‌اند از عنوان فمینیست استفاده نکرده‌اند و بعدها این نام بر آن نهاده شد، اما به شدت تحت تأثیر این جریان بوده‌اند و بنابر نظر

حسن نفیسی افکار فمینیستی به تأثیر از جو فکری آن زمان مد شده بود. اگرچه عنوان فمینیستی توسط محققان به این طیف از روشن فکران ایرانی نهاده شد، معنی و مفهوم آن را باید در مطالباتی دانست که توسط این روشن فکران مطرح شده است، مانند: آموزش و تحصیل، بهداشت، حق رأی، آزادی و برابری، خانه‌داری، و فرزندداری.

در این دوره بیش‌ترین نقش را در آگاهی‌رسانی زنان نشریات ایفا می‌کردند و سعی در آگاه‌ساختن زنان به حقوق اجتماعی خود داشتند. همه نظرات موافق و مخالف انعکاس داده می‌شد، اما بیش‌تر جنبه آگاهی‌رسانی برای زنان داشت. دیدگاه‌های فمینیستی را می‌توان در لابه‌لای مقالات منتشرشده در نشریات این دوره مشاهده کرد. تعدادی از خواسته‌های فمینیستی زنان غربی در ایران هم توسط روشن فکران زن و مرد پذیرفته شده بود و سعی می‌شد قوانین و خواسته‌های زنان فمینیست هم در ایران اجرا شود، اما تعدادی از این مطالبات حتی توسط روشن فکرانی مثل کسروی هم قابل قبول نبود و آن را برای زنان ایرانی مناسب نمی‌دانستند و به نقد قوانین تصویب‌شده در ارتباط با احقاق حقوق زنان غربی پرداختند. درکل، موضوع مطالبات زنان و جریان فمینیسم و الگوگیری از غربیان برای دست‌یابی به حقوق زنان راهی طولانی را در پیش داشت و نظرات ثابتی در این مورد وجود نداشت.

کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۴)، *ما و مدرنیت*، تهران: طراز.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۷)، *انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: بانو.
- آقابابایی، اسماعیل و علی‌رضا شالباف (۱۳۸۲)، *فمینیسم و دانش‌های فمینیستی: ترجمه و نقد تعدادی از مقالات دایرةالمعارف فلسفی روتلیج*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان و مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران.
- اسحاقی، سیدحسین و دیگران (۱۳۸۵)، *فمینیسم*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار، و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشن‌گران و مطالعات زنان.
- افشار، ایرج (۱۳۵۱)، *مقالات تقی‌زاده*، تهران: بی‌نا.
- امین، سیدحسن (۱۳۸۳)، *کارنامه غنی*، تهران: دایرةالمعارف ایران‌شناسی.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۷)، *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران: ابن‌سینا.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱)، *فرهنگ واژه‌ها*، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دین.

۱۰۰ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- بیسلی، کریس (۱۳۸۹)، چپستی فمینیسم، ترجمه محمدرضا زمردی، تهران: روشن گران و مطالعات زنان.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۱)، هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران: پیام امروز.
- دولتی، غزاله و دیگران (۱۳۸۸)، بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی، کلامی، و آثار علمی فمینیسم، قم: دفتر نشر معارف.
- روباتم، شیلا (۱۳۸۵)، زنان در تکاپو: فمینیسم و کنش‌های اجتماعی، ترجمه حشمت‌الله صباغی، تهران: پژوهش شیرازه.
- رودگر، نرجس (۱۳۸۸)، فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (با حمایت سازمان ملی جوانان).
- زاهد، سعید و بیژن خواجه‌نوری (۱۳۸۴)، جنبش زنان در ایران، شیراز: ملک سلیمان.
- زمردیان، رضا (۱۳۷۳)، فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی، مشهد: آستان قدس.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی (۱۳۹۱)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم: هاجر.
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- صنعتی‌زاده، مهدخت و افسانه نجم‌آبادی (۱۳۷۷)، نامه‌ها، نوشته‌ها، و یادها، تهران: نگارش زن.
- صنعتی، مهدخت و دیگران (۱۳۹۷)، حیات صدیقه (زمانه و کارنامه)، تهران: شیرازه.
- علاسوند، فریبا (۱۳۸۲)، زنان و حقوق برابر، تهران: شورای فرهنگی.
- فتحی، مریم (۱۳۸۳)، کانون بانوان با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کرباسی‌زاده، مرضیه (۱۳۸۴)، سیر تحولات اجتماعی زنان در یک‌صد سال اخیر ایران (از مشروطیت به بعد)، تهران: اکنون.
- لگیت، مارلین (۱۳۸۹)، زنان در روزگارشان: تاریخ فمینیسم در غرب، ترجمه نیلوفر مهدیان، تهران: نی.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱)، مسئله زن، اسلام، و فمینیسم، به‌کوشش حجت‌الله محمدی شاهی، تهران: برگ زیتون.
- منگنه، نورالهدی (۱۳۴۴)، سرگذشت یک زن ایرانی یا شمه‌ای از خاطرات من، بی‌جا: بی‌نا.
- مهریزی، مهدی (۱۳۷۸)، بولتن مرجع فمینیسم، تهران: الهدی.
- ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۰)، زنان در جنبش مشروطه، تبریز: احیاء.
- وزیری، سعید (۱۳۹۳)، خاتون معارف ایران، تهران: کوشش پاینده.
- وطن‌دوست، غلامرضا، مریم شیبری، و آفرین توکلی (۱۳۸۵)، زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- هام، مگی و سارا گمبل (۱۳۸۲)، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر، فرخ قره‌داغی، و نوشین احمدی خراسانی، تهران: توسعه.

نشریات

- «آزادی زن» (۱۳۰۹)، روزنامه شفق سرخ، س ۹، ش ۱۷۰۵.
- «اجتماعیات: زن - توفان» (۱۳۰۵)، روزنامه اقدام، س ۵، ش ۷۶.
- ایران‌شهر (۱۳۰۳)، س ۲، ش ۱۱-۱۲.
- «بدبخت زن در ایران» (۱۳۰۲)، روزنامه ستاره ایران، س ۹، ش ۹۶.
- بروجردی، صادق (۱۳۰۳)، جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، س ۱، ش ۷ و ۸.
- بوربور، غلامحسین (۱۳۰۹)، «آزادی زن: احتراز از تقلید آمیخته به جهل»، س ۹، ش ۱۷۰۶.
- بهشتی، سعید و مریم احمدنیا (۱۳۸۵)، «تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی»، فصل‌نامه تربیت اسلامی، ش ۳.
- پارسا، فخر آفاق (۱۳۰۳)، «زینت اصلی زن خانه‌داری است»، جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، س ۱، ش ۵ و ۶.
- ترقی، محمد (۱۳۰۵)، «زن و سیاست»، آینده، س ۱، ش ۱۱.
- «ترقی نسوان» (۱۳۰۲)، عالم‌نسوان، س ۴، ش ۲.
- «ترقی نسوان» (۱۳۳۸ ق)، زبان زنان، س ۲.
- «تعدد ازواج: صیغه‌بازی» (۱۳۰۸)، عصر پهلوی، س ۴، ش ۳.
- ثابتیان، ذ. (۱۳۱۰)، «زن‌ها چه می‌گویند»، روزنامه شفق سرخ، س ۱۰، ش ۱۸۰۴.
- جعفریان، سقراط (۱۳۰۹)، «حدود و حقوق زن در ایران»، روزنامه شفق سرخ، س ۵، ش ۱۲۵۹.
- جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران (۱۳۰۳)، س ۱، ش ۷ و ۸.
- جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران (۱۳۰۴)، س ۲، ش ۹.
- «جهان زنان» (۱۲۹۹)، نامه بانوان، ش ۴.
- «چه کارهایی برای زن متناسب است» (۱۳۰۹)، روزنامه شفق سرخ، س ۹، ش ۱۶۷۹.
- «خانه‌داری؛ از مجله خانه‌داری Hanswirtschaft منطبعه وین نقلو از زبان آلمانی» (۱۳۰۰)، ترجمه هادی سپانلو، عالم‌نسوان، س ۱، ش ۵.
- «خدمات اجتماعی زن‌ها به عالم اجتماعی کم‌تر از مردها نیست» (۱۳۳۲)، روزنامه شکوفه، س ۲، ش ۲۲.
- «خلاصه مقالات یک خانم بلژیکی» (۱۳۱۱)، دختران ایران، ترجمه برزوخان راد، س ۱، ش ۶.
- خلعتبری، فخر عادل (فخرعظمی ارغون) (۱۳۱۱)، «وظیفه زن چیست؟»، آینده ایران، س ۲، ش ۶۲.
- «خواهران بیدار شوید» (۱۳۳۷)، زبان زنان، س ۱، ش ۱۱.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۰۱)، «زنان کارگر»، زبان زنان، س ۴، ش ۴ و ۵.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۰۳)، جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، س ۱، ش ۷ و ۸.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۷ الف)، زبان زنان، س ۱، ش ۵.

۱۰۲ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۷ ب)، *زبان زنان*، س ۱، ش ۶.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۸ الف)، «ترقی نسوان»، *زبان زنان*، س ۲.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۸ ب)، «قلم در دست مردان بود»، *زبان زنان*، س ۲، ش ۲۰.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۸ ج)، «ایران و فرزندانش»، *زبان زنان*، س ۱، ش ۹.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۹)، «مجلس عالی بادگیر»، *زبان زنان*، س ۲، ش ۲۹.
- روحانی، عبدالمحمد (۱۳۰۹)، «دانستنی‌های زنان جوان»، *روزنامه اطلاعات*، ش ۱۱۰۰.
- «زن اروپایی» (۱۳۰۴)، *روزنامه فکر آزاد*، س ۳، ش ۳۹.
- «زن باید در امور شریک مرد باشد» (۱۳۱۴)، *بیلاری*، س ۵، ش ۵۴.
- «زن در اجتماعات» (۱۳۰۴)، *روزنامه اطلاعات*، س ۳، ش ۵۶۸.
- «زن در قرن بیستم» (۱۳۰۲)، *جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران*، س ۱، ش ۲.
- سمیعی، ف. م. (۱۳۰۰)، «مادر کیست؟»، *عالم نسوان*، س ۲، ش ۲.
- سمیعیان، غفت (۱۳۰۵)، «اخبار ترقی نسوان»، *عالم نسوان*، س ۷، ش ۳.
- سیاوش (۱۳۰۹)، «جامعه به چگونه زن‌هایی محتاج است؟»، *روزنامه شفق سرخ*، س ۹، ش ۱۵۷۰.
- شکیبا (۱۳۰۶)، «زن در میدان عمل»، *روزنامه شفق سرخ*، س ۶، ش ۸۶۹.
- «عالم نسوان» (۱۳۰۲)، *روزنامه ستاره ایران*، س ۹، ش ۱۰۶.
- عظیمی، هما (۱۳۰۲)، *روزنامه ستاره ایران*، س ۹، ش ۱۳۱.
- «عوالم النساء» (۱۳۳۳ ق)، *روزنامه شکوفه*، س ۲، ش ۲۰.
- فرهاد، احمد (۱۳۰۳ ش)، «زنان ترک: هشیار باشید. به‌دقت بخوانید. افسانه نیست»، *نامه فرنگستان*، س ۱، ش ۱.
- فروهر (۱۳۰۵)، «خامه زنان»، *روزنامه قلم/م*، س ۵، ش ۶۱.
- فمنیست (رفیع امین) (۱۲۹۸ الف)، «زنان ما»، *روزنامه تجدد*، ش ۳۷.
- فمنیست (رفیع امین) (۱۲۹۸ ب)، «تربیت دختران ما»، *روزنامه تجدد*، ش ۴۲.
- فمینا (تقی رفعت) (۱۲۹۹ الف)، «مد»، *روزنامه تجدد*، ش ۴۵.
- فمینا (تقی رفعت) (۱۲۹۹ ب)، «مد (۳)»، *روزنامه تجدد*، ش ۴۷.
- قائم‌مقامی، کوکب (۱۳۰۶)، «زن در ایران»، *عالم نسوان*، س ۷، ش ۷-۸.
- قمی، لطف‌الله (۱۳۰۲)، «تربیت نسوان»، *روزنامه ستاره ایران*، س ۹، ش ۶۰.
- قوی، نیره (۱۳۸۹)، «فمینیسم نه مرد، نه زن، هیچ»، *فرهنگ پویا*، ش ۱۸.
- کاظمی، پرویز (۱۳۰۳)، «راه نجات: سعادت زن سعادت مملکت است»، *نامه فرنگستان*، س ۱، ش ۲.
- کسروی، احمد (۱۳۱۲ الف)، «مادران و خواهران ما»، *پیمان*، س ۱، ش ۵.

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۱۰۳

- کسروی، احمد (۱۳۱۲ ب)، «مادران و دختران ما»، پیمان، س ۱، ش ۶.
- کسروی، احمد (۱۳۱۳)، «آن حق زن که پای مال شده شوهر کردن است و بس»، پیمان، س ۲، ش ۴.
- «کنفرانس برای خانم‌ها» (۱۳۰۱)، *عالم نسوان*، س ۳، ش ۳.
- محمودی، م. م. (۱۲۹۹)، «قانون خانه‌داری»، *عالم نسوان*، س ۱، ش ۱.
- نامور، ر. (۱۳۱۰)، «زن‌ها چه می‌گویند (۲)»، *روزنامه شفق سرخ*، س ۱۰، ش ۱۸۰۷.
- نفیسی، حسن (۱۹۲۴ الف)، «نسوان‌نوازی»، *نامه فرنگستان*، ش ۱.
- نفیسی، حسن (۱۹۲۴ ب)، «نسوان‌نوازی»، *نامه فرنگستان*، ش ۶.
- هرمزی (۱۳۱۶)، «سپاس‌گزاری زنان ایران»، *روزنامه اطلاعات*، س ۱۲، ش ۳۳۶۲.

